



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۱۰/۱۷

عبدالقیوم میرزاده

قدردانی از دانشمندان در زمان حیات؛ تجلی فرهنگ والای حق شناسی و مسئولیت اجتماعی

نگاهی تحلیلی به نوشته ارزشمند گرانقدر محترم ن. جلیلزاد در تجلیل از دانشمند گرانقدر، محترم محمد اعظم سیستانی

یکی از نشانه‌های برجسته بلوغ فکری، رشد فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی هر ملت، میزان احترام و قدرشناسی آن نسبت به دانشمندان، اندیشمندان، نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر گران‌بهای خویش را در راه گسترش دانش، روشن‌ساختن حقایق تاریخی و حفظ میراث فرهنگی جامعه صرف کرده‌اند.

دانشمندان و پژوهشگران، سرمایه‌های معنوی یک ملت‌اند. آنان با تحمل دشواری‌های فراوان، صرف وقت، امکانات و توانایی‌های فکری خویش، آثاری می‌آفرینند که نه تنها برای نسل حاضر، بلکه برای نسل‌های آینده نیز سرچشمه آگاهی، شناخت و تفکر به شمار می‌روند.

از همین منظر، نوشته زیبا، پرمحتوا و تأثیرگذار جناب ن. جلیلزاد، تحت عنوان «حافظه وطن، به قلم یک عاشق»، که به تاریخ ۱۷ اکتوبر ۲۰۲۶ در وبسایت «افغان جرمن آنلاين» به نشر رسیده است، اقدامی شایسته تحسین و سپاسگزاری محسوب می‌شود.

این نوشته، در کنار ارج‌گذاری به خدمات علمی و تحقیقی دانشمند محترم محمد اعظم سیستانی، نمونه‌ای ارزشمند از فرهنگ حق‌شناسی، احترام به اندیشه و تجلیل از خدمتگزاران علم و فرهنگ در زمان حیات آنان است.

به باور نگارنده، اهمیت چنین اقدامی تنها در ستایش یک دانشمند خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پیام آن می‌تواند به یک اصل ماندگار اجتماعی تبدیل گردد: باید از دانشمندان و خدمتگزاران جامعه زمانی قدردانی کنیم که زنده‌اند، می‌نویسند، می‌اندیشند و هنوز می‌توانند از محبت و احترام مردم خویش دلگرمی بگیرند.

ارزش فرهنگی و ادبی نوشته گرانقدر ن. جلیلزاد

نوشته جناب جلیلزاد از نظر ساختار و شیوه بیان، تنها یک معرفی معمولی از شخصیت علمی محترم سیستانی نیست، بلکه تصویری ادبی از پیوند میان دانش، وطن‌دوستی، مهاجرت، حافظه تاریخی و مسئولیت روشنفکر در برابر جامعه ارائه می‌کند.

نویسنده با عنوان «حافظه وطن، به قلم یک عاشق»، قلم پژوهشگر را وسیله‌ای برای نگهداری خاطره و هویت تاریخی یک ملت معرفی می‌کند.

در بخش نخست نوشته، جناب جلیل‌زاد میان کسانی که با ساختن دیوار نام می‌گیرند و کسانی که با فروختن چراغ ماندگار می‌شوند، تمایز قائل شده و محترم سیستانی را از گروه دوم می‌داند. این تصویر ادبی، حامل پیام مهمی است: ارزش واقعی انسان‌ها تنها در قدرت، ثروت یا شهرت آنان نیست، بلکه در میزان روشنایی و آگاهی است که برای دیگران به ارمغان می‌آورند. نویسنده با بهره‌گیری از استعاره‌های «چراغ»، «آینه»، «پل» و «شمشاد»، تلاش می‌کند ابعاد گوناگون زندگی فکری و فرهنگی محترم سیستانی را به تصویر بکشد.

از نگاه نقد ادبی، این تصاویر به نوشته انسجام معنایی بخشیده‌اند و از نظر فرهنگی، پیامی فراتر از ستایش یک فرد دارند؛ پیام درباره ارزش دانش، پایداری، خدمت و مسئولیت در برابر تاریخ.

ارج‌گذاری به تلاش‌های علمی و تحقیقی محترم محمد اعظم سیستانی

یکی دیگر از بخش‌های قابل توجه نوشته جناب جلیل‌زاد، اشاره به گستردگی فعالیت‌های علمی و پژوهشی محترم سیستانی است.

نویسنده از بیش از پنجاه کتاب و نزدیک به هزار مقاله یاد می‌کند و حوزه‌هایی چون تاریخ افغانستان، سیستان، نماد فنا ناپذیر شخصیت‌های تاریخی چون امان افغان، مسئله دیورند، تحولات سیاسی و جایگاه زنان در تاریخ و جامعه را از موضوعات مورد توجه ایشان برمی‌شمارد.

این ارقام و موضوعات، چنان‌که در نوشته جناب جلیل‌زاد آمده‌اند، بیانگر تصویری از گستردگی فعالیت‌های پژوهشی محترم سیستانی هستند و بررسی کتاب‌شناسی مستقل آن‌ها می‌تواند موضوع پژوهش جداگانه‌ایی باشد.

در این میان، اشاره نویسنده به آثاری چون «سیمای زن افغان در حماسه و تاریخ» و «وضعیت حقوقی زنان افغان» نیز اهمیت خاصی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که در معرفی خدمات علمی یک پژوهشگر، توجه به موضوعات اجتماعی و جایگاه زنان نیز نباید نادیده گرفته شود.

نکته مهم آن است که خدمات علمی را باید بر پایه مطالعه آثار، بررسی اسناد و نقد منصفانه شناخت. احترام به یک پژوهشگر به معنای نفی حق اختلاف‌نظر نیست؛ بلکه جامعه علمی زمانی رشد می‌کند که قدردانی از تلاش‌های علمی با آزادی نقد و گفت‌وگوی مستند همراه باشد.

قدردانی در زمان حیات؛ برتری یک فرهنگ انسانی

یکی از مهم‌ترین پیام‌هایی که می‌توان از اقدام جناب جلیل‌زاد دریافت کرد، ضرورت تغییر شیوه برخورد جامعه با شخصیت‌های علمی و فرهنگی است.

متأسفانه در بسیاری از جوامع، از جمله جامعه ما، گاهی زمانی به یاد خدمات دانشمندان، نویسندگان و شخصیت‌های فرهنگی می‌افتیم که آنان دیگر در میان ما حضور ندارند.

پس از درگذشت آنان، مجالس بزرگداشت برگزار می‌کنیم، مقالات ستایش‌آمیز می‌نویسیم و از خدمات‌شان سخن می‌گوییم؛ در حالی که چه‌بسا در زمان حیات، فرصت کافی برای ابراز محبت، احترام و سپاسگزاری از آنان فراهم نکرده‌ایم.

بدون تردید، بزرگداشت شخصیت‌ها پس از وفات نیز ارزش فرهنگی دارد؛ اما قدردانی در زمان حیات، دارای اثر انسانی و اجتماعی خاص است.

دانشمندی که سال‌های طولانی از عمر خود را وقف تحقیق و تألیف کرده است، هنگامی که احساس کند جامعه تلاش‌های او را می‌شناسد و قدر می‌داند، می‌تواند از این توجه نیروی معنوی تازه‌ای برای ادامه فعالیت‌های خویش به دست آورد.

از همین رو، اقدام جناب ن. جلیل‌زاد را باید فراتر از یک نوشته ستایش‌آمیز دانست؛ این اقدام نمونه‌ای عملی از فرهنگی است که شایسته است در جامعه ما گسترش یابد.

قدرشناسی از دانشمندان در زمان حیات، تنها ادای احترام به گذشته آنان نیست؛ بلکه پشتیبانی از تلاش امروز و تشویق به آفرینش آثار فرداست.

از تشویق دانشمند تا تشویق جامعه به کسب آگاهی

قدردانی از یک پژوهشگر، افزون بر تأثیر احتمالی بر روحیه و انگیزه خود او، می‌تواند پیامدهای مثبت گسترده‌تری برای جامعه داشته باشد.

هنگامی که رسانه‌ها، نویسندگان و شخصیت‌های فرهنگی، خدمات یک دانشمند را به‌گونه مستند و محترمانه معرفی می‌کنند، توجه خوانندگان نیز به آثار و اندیشه‌های او جلب می‌شود. این توجه می‌تواند زمینه مطالعه بیشتر، آشنایی با تاریخ، شناخت میراث فرهنگی و گسترش گفت‌وگوهای علمی را فراهم سازد.

خصوص برای نسل جوان، مشاهده احترام اجتماعی نسبت به یک نویسنده یا پژوهشگر می‌تواند این پیام را داشته باشد که مطالعه، تحقیق، آفرینش فکری و خدمت فرهنگی، فعالیت‌هایی ارزشمند و شایسته احترام‌اند.

بدین ترتیب، یک نوشته قدردانی می‌تواند دو نقش مکمل ایفا کند:

نخست، تشویق و دلگرمی دانشمندی که سال‌های عمر خود را صرف تولید دانش و آگاهی کرده است.

دوم، ترغیب جامعه، به خصوص جوانان، به مطالعه و شناخت موضوعات علمی، تاریخی، فرهنگی و هنری.

از این دیدگاه، نوشته گرانقدر جلیل‌زاد دارای ظرفیتی آموزشی و اجتماعی است که می‌تواند فراتر از مخاطبان مستقیم آن تأثیر بگذارد.

حفظ حافظه تاریخی و انتقال دانش به نسل‌های آینده

یکی از زیباترین بخش‌های نوشته جناب جلیل‌زاد، توصیف محترم سیستم سیستانی به‌عنوان پلی میان نسل‌هاست.

نویسنده در بخش «پلی میان دو کرانه» به نقش آثار تاریخی در پیوند دادن جوانان با ریشه‌های فرهنگی و تاریخی‌شان اشاره می‌کند.

این برداشت از دیدگاه جامعه‌شناسی فرهنگ نیز قابل تأمل است؛ زیرا حافظه تاریخی یک ملت تنها از راه روایت‌های شفاهی حفظ نمی‌شود، بلکه به ثبت، بررسی، نقد و انتقال مستمر دانش نیاز دارد. آثار تاریخی و پژوهشی، در صورت برخورداری از دقت علمی و استناد معتبر، می‌توانند در شناخت گذشته و فهم تحولات اجتماعی نقش مهمی ایفا کنند.

از همین رو، معرفی پژوهشگران و تشویق مردم به مطالعه آثار آنان، بخشی از مسئولیت فرهنگی جامعه است.

در این زمینه، نوشته جناب محترم جلیل‌زاد یادآور می‌شود که ارج‌گذاری به پژوهشگران، در حقیقت ارج‌گذاری به تلاش برای حفظ حافظه تاریخی و انتقال تجربه‌های فکری به نسل‌های آینده نیز هست.

به باور من، ارزش برجسته اقدام گرانقدر ن. جلیل‌زاد در آن است که با زبان احترام، محبت و شناخت فرهنگی، توجه جامعه را به خدمات یک پژوهشگر معطوف ساخته است.

ایشان به‌جای آنکه تنها به ذکر نام و آثار محترم سیستم سیستانی اکتفا کند، کوشیده است با نگاهی انسانی و ادبی، رابطه میان دانشمند، وطن، مهاجرت و مسئولیت تاریخی را برجسته سازد.

به خصوص تصویر «شمشادی که زمستان را سبز زیست»، نمادی از پایداری در برابر دشواری‌هاست و به خواننده یادآوری می‌کند که فعالیت علمی و فرهنگی، گاهی در دشوارترین شرایط زندگی نیز ادامه می‌یابد.

چنین شیوه‌ای از نگارش می‌تواند توجه مخاطبانی را جلب کند که شاید در حالت عادی کمتر به مطالعه آثار تاریخی علاقه‌مند باشند.

البته نوشته جناب جلیل‌زاد از نظر نوع بیان، بیشتر یک تجلیل‌نامه ادبی و فرهنگی است تا یک تحقیق علمی پوهنتونی مبتنی بر ارجاعات تفصیلی. همین خصوصیت، ارزش عاطفی و فرهنگی آن را روشن می‌سازد و در عین حال، راه را برای بررسی‌های علمی و مستندتر درباره آثار محترم سیستانی باز می‌گذارد.

بنابراین، سپاسگزاری از جناب جلیل‌زاد، در واقع سپاسگزاری از یک رفتار نیکوی فرهنگی است؛ رفتاری که می‌تواند به الگویی برای سایر نویسندگان و فرهنگیان تبدیل شود.

ضرورت نهادینه‌ساختن فرهنگ حق‌شناسی

اگر بخواهیم چنین اقدامات ارزشمندی به یک فرهنگ پایدار اجتماعی تبدیل شوند، نباید آن‌ها را به موارد استثنایی و فردی محدود سازیم.

رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی، انجمن‌های علمی و نویسندگان می‌توانند با معرفی منظم شخصیت‌های علمی، انتشار گفت‌وگو با پژوهشگران، بررسی آثار آنان و برگزاری نشست‌های علمی، به گسترش این فرهنگ کمک کنند.

همچنان شایسته است از دانشمندان سالخورده و باتجربه در زمان حیات‌شان برای ثبت خاطرات، تجربه‌های پژوهشی و دیدگاه‌های علمی دعوت شود تا بخش مهمی از سرمایه فکری جامعه برای نسل‌های آینده محفوظ بماند.

در این میان، احترام به تفاوت دیدگاه‌ها و پرهیز از برخوردهای شخصی، شرط اساسی یک فرهنگ سالم علمی است.

ما می‌توانیم با نتیجه‌گیری‌های یک تاریخ‌نگار موافق یا مخالف باشیم، اما در عین حال، سال‌ها زحمت او را در گردآوری منابع و تولید آثار پژوهشی محترم بشماریم.

فرهنگ حق‌شناسی زمانی به بلوغ می‌رسد که احترام به انسان، ارزش‌گذاری به تلاش علمی و حق نقد منصفانه در کنار یکدیگر قرار گیرند.

نتیجه‌گیری؛ سپاس از یک اقدام فرهنگی و دعوت به یک مسئولیت همگانی

نوشته «حافظه وطن، به قلم یک عاشق» از جناب ن. جلیل‌زاد، در تجلیل از دانشمند محترم محمد اعظم سیستانی، نمونه‌ای ارزشمند از ادبیات قدرشناسانه و احترام به خدمات علمی و فرهنگی است. این نوشته به ما یادآوری می‌کند که دانشمندان و پژوهشگران، تنها نویسندگان کتاب‌ها و مقالات نیستند؛ آنان با صرف عمر، دانش، تجربه و توانایی‌های فکری خویش، در شکل‌گیری حافظه فرهنگی و گسترش آگاهی جامعه سهم می‌گیرند.

از همین رو، وظیفه اخلاقی و فرهنگی ماست که خدمات آنان را در زمان حیات‌شان بشناسیم، آثارشان را مطالعه کنیم، با دیدگاه‌هایشان به‌گونه علمی گفت‌وگو نماییم و از تلاش‌هایشان صمیمانه قدردانی کنیم.

اینجانب با احترام فراوان، از جناب ن. جلیل‌زاد به خاطر نگارش این متن زیبا، احساس مسئولیت فرهنگی و ابتکار پسندیده‌شان در ارج‌گذاری به خدمات دانشمند محترم محمد اعظم سیستانی، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

امیدوارم این اقدام نیکو سرمشقی برای سایر نویسندگان، پژوهشگران، رسانه‌ها و همه دوستداران علم و فرهنگ گردد تا به‌جای آنکه تنها پس از درگذشت شخصیت‌های علمی به یاد خدمات آنان بیفتیم، در زمان حیات‌شان با احترام و محبت، ارزش تلاش‌هایشان را به رسمیت بشناسیم.

همچنان برای دانشمند گران‌قدر، محترم محمد اعظم سیستانی، صحت و سلامتی، طول عمر باعزت و توفیق در ادامه فعالیت‌های علمی و فرهنگی آرزو می‌کنم و امیدوارم قلم توانای ایشان همچنان در خدمت آگاهی و شناخت تاریخی جامعه قرار داشته باشد.

بیاييد فرهنگ سپاسگزارۍ را از يک احساس فردی به يک مسئوليت اجتماعی تبديل کنيم؛ زيرا ملتۍ که دانشمندان زنده خويش را قدر می‌داند، در حقيقت به دانش، فرهنگ و آینده خود احترام می‌گذارد.

با حرمت و سپاس فراوان
ميرزاده